



نام و نام خانوادگی

تاریخ

موضوع:

هدف:

کلمات جا افتاده را از متن درس بیابید و در جای خود بنویسید

به راهی در، سلیمان دید موری
 به ، خویش را هر سو کشیدی
 ز هر گردی، برون افتادی از راه
 چنان بگرفته راه در پیش
 به تندی گفت: «کای نادان
 بیا زین ره، به پادشاهی
 چرا باید چنین خونابه خوردن
 ره است اینجا و مردم

که با پای ملخ می کرد زوری
 وزان بارگران، هر دم خمیدی
 ز هر بادی، پریدی چون پرگاه
 که فارغ گشته از هر کس، جز از
 چرایی از ملک سلیمان؟
 بخورد در سفرهی ما، هر چه خواهی
 تمام خود را بار بردن
 مبادا بر سرت پایی گذارند

مکش این بارِ گران را
گفت: «از سور، کمتر گوی با مور
نیفتد با کسی ما را سر و کار
مرا امید زین رنج
گرت باید کامکاری
مرو راهی که پایت را ببندند
که تدبیر، باش و بینا
بکوش اندر زندگانی

میازار از برای جسم، جان را»
که موران را، خوش تر از سور
که خود، هم توشه داریم و هم انبار
من این پای ملخ، ند هم به گنج»
ز مور آموز، رسم بُردباری
مکن کاری که بچندند
ره امروز را مسپار فردا
که شد پیری، جوانی

